

# دو سوم کارگران ایران از شمول قانون کار خارج می‌شوند

## تعرض وحشیانه سرمایه داران به حقوق کارگران باید متوقف شود

تمام کارگران بخش کشاورزی، بخش های دامپرووری و پرورش ماکیان و طیور، آبیان و غیره، نیز از شمول قانون کار خارج می‌شوند. در این پیش نویس، بخش هایی از مواد ۴۹ و ۵۰ که مربوط به طرح طبقه بندی مشاغل است، نیز حذف شده و طرح طبقه بندی مشاغل، دیگر شامل اکثریت عظیم کارگران نخواهد شد. در عین حال الزام قانونی و جرایمی که برای عدم اجرای طرح طبقه بندی برای سرمایه دار در نظر گرفته شده بود نیز حذف شده اند.

با این حساب روشن است که اگرچندی پیش سه چهار میلیون کارگر کارگاههای زیر ۵ نفر را از شمول قانون کار خارج کردند، اکنون با دستبرد جدید به حقوق کارگران، اکثریت بزرگ کارگران را از شمول قانون کار خارج می کنند. برطبق اطلاعاتی که منابع دولتی انتشار داده اند، دو سوم کارگران از شمول قانون کار خارج می شوند. طرح طبقه بندی مشاغل دیگر شامل اکثریت بزرگ کارگران نمی شود و کارگران ازمزایای آن محروم می

تعرض سرمایه داران و دولت خاتمی به عنوان مجری سیاست های سرمایه داران داخلی و بین المللی به حقوق و سطح معیشت طبقه کارگر ایران بی وقفه ادامه دارد. تغییر ۴ ماده از قانون کار به زیان کارگران و به نفع سرمایه داران، تقریباً قطعیت یافته و مراحل نهایی خود را می گذراند. کمیسیون ویژه ای که در پی مذاکرات نماینده رسمی سرمایه داران، دولت و عوامل سرمایه داران از شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر، ماموریت یافته بودند تا به نام نمایندگان کارگر و کارفرما پیش نویس آئین نامه های اجرایی را تهیه و برای تصویب نهایی به شورای عالی کار و هیئت دولت فرستاده شود، تا آنجایی که اعلام شده است، در چند مورد، این پیش نویسها را آماده کرده و به شورای عالی کار فرستاده است و تنها این مانده است که هیئت دولت نیز رسماً آنها را تصویب و به مرحله اجرا گذارد. در نتیجه این تغییرات در مواد ۱۸۹ و ۱۹۱، قانون کار دیگر شامل کارگران کارخانه ها و کارگاههایی که کمتر از ۱۰ کارگر داشته باشند نمی شود. همچنین

## تعرض وحشیانه سرمایه داران به حقوق کارگران باید متوقف شود

خود را به حد اعلا برساند و کارگر از نظر حقوقی وقانونی حق اعتراض نداشته باشد. اما جنبه دیگر این تغییرات، تنزل هولناک سطح معیشت کارگران، وخیم تر شدن شرایط کار وزندگی و تشدید هولناک استثمار است. دستمزد کارگران تنزل بیشتری خواهد کرد. بسیاری از مزایای کارگران که برطبق قانون کار ومقررات دولتی به کارگرتعلق می گرفت و از جهت معیشتی، کمکی به گذران زندگی کارگر و خانواده او بود، از بین خواهد رفت. با حذف طبقه بندی مشاغل، مزایایی که از این بابت نیز می توانست عاید کارگر شود، حذف خواهد شد. با حذف بیمه های اجتماعی در همین محدوده حداقلی که اکنون وجود دارد، وضعیت معیشتی و بهداشتی و درمانی خانواده های کارگری به نحو اسف باری وخیم خواهد شد. کارگری که بیکار می شود دیگر با گرسنگی محض و مرگ روبروست، بهداشت و ایمنی محیط کار وخیم تر از آنچه که امروز وجود دارد، خواهد شد و تباهی جسمی و مرگ و میر کارگران از این جهت نیز افزایش خواهد یافت. متجاوز از دوسوم کارگران ایران با شرایط هولناکی روبرو می شوند. نباید اجازه داد که سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها، این چنین زندگی میلیون ها کارگر را تباه کنند و فدای مقاصد سود پرستانه خود نمایند. اگر طبقه کارگر ایران نتواند این تعرض وحشیانه سرمایه داران را با مبارزه همه جانبه خود متوقف کند، شرایط زندگی اکثریت عظیم کارگران ایران وخیم تر از بردگان دوران باستان خواهد شد، چراکه حداقل از برده حفاظت می کردند وشکم او را سیر می نمودند، تا سالها بتواند برای برده دار کار کند. اما برداران نوین در ایران، همین را هم نمی پذیرند. چون از بابت برده های نوین چیزی نپرداخته و هزینه ای هم متقبل نشده اند که نگران نابودی و مرگ ومیر و یکم شدن بردگان خود باشند وشکم آنها را سیر کنند. به جای برده ای که از گرسنگی و تباهی جسمی و روحی می میرد و نابود می شود، میلیون ها بیکار و گرسنه از فرط نیاز اقتصادی، پشت در کارخانه ها صف کشیده اند تا به خدمت برده داران نوین در آیند. اما این تغییرات و نتایج آن به همین جا خاتمه نمی یابد، هنوز کمیسیون در حال تهیه پیش نویس تغییراتی دردیکر مواد قانون کار است، که کارگران کارخانه های بالاتر از ده کارگر را شامل خواهد شد و در راس این تغییرات، دادن اختیار کامل به سرمایه دار برای اخراج کارگر و باز گذاشتن دست سرمایه داران در زمینه دستمزد و مزایای کارگران وحقوق قانونی آنهاست. در آینده نزدیک، این کمیسیون باید پیش نویس تغییر این مواد را به شورای عالی کار وهیئت دولت ارائه دهد. دیگر نیازی هم به این نیست که این مسائل در مجلس مطرح شوند، و سر و صدای آن به بیرون درز کند، دولت با استفاده از سوراخ و سنبه ها و تبصره هایی که در قانون کار هست، خود راسا این تغییرات را تصویب می کند وبه مرحله اجرا در می آورد. در روزهای آینده مشخص تر خواهد شد که کدام بندها، مواد و تبصره های دیگر را تغییر خواهند داد.

گردند و در آنجایی که رسماً باقی می ماند، سرمایه دار هیچ الزامی به اجرای آن ندارد. کارگران ایران با این تغییرات در قانون کار به شدت مخالفند و این مخالفت خود را تاکنون به اشکال مختلف ابراز داشته اند. این مخالفت از این زاویه نیست که گویا قانون کاری که تاکنون وجود داشته مترقی و بیانگر حقوق کارگران بوده است. کارگران ایران به خوبی ماهیت ارتجاعی قانون کار موجود را می شناسند، و از هر کارگرنیمه آگاهی هم که سؤال شود، موارد متعددی را که در این قانون، حقوق کارگران به کلی نادیده گرفته شده ولگدمال شده است برخواهد شمرد. این مخالفت تنها به این هم محدود نمی شود که با این تغییرات شرایط مادی و معیشتی و رفاهی کارگر از آنچه امروز هست وخیم تر خواهد شد و استثمار ابعاد هولناک تری به خود خواهد گرفت. نکته برجسته تر در این مخالفت کارگران، این است که یک حق انسانی کارگر از وی سلب می شود و یک دست آورد جهانی کارگر از او گرفته می شود. هر قانون کاری مستثنا از این که چقدر ارتجاعی است یا مترقی، چقدر منافع کارگر را تامین می کند یا سرمایه دار، فی نفسه بدین معناست که کارگر، برده دوران باستان نیست، رعیت قرون وسطا نیست، بلکه قدرتی است که از حق و حقوق برخوردار است. نیروی کارش را می فروشد، استثمار هم می شود، اما سرمایه دار زیر فشار مبارزه ای که طبقه کارگر داشته، به ناگزیر پذیرفته است که نتیجه این فشار و مبارزه را رسماً و کتبا بپذیرد. حقوقی را که کارگر با مبارزه کسب نموده به رسمیت بشناسد، ضوابطی را بر مناسبات حاکم سازد و کم و زیادی آن را به زور و تناسب قوای طرفین موکول نماید. طبقه کارگر جهانی از همان آغاز موجودیت خود، سالها مبارزه کرد تا توانست بورژوازی را بپذیرد یک قانون مجزای نام قانون کار وادار کند. طبقه کارگر ایران نیز مدت ها مبارزه کرد تا قانون کار رسماً پذیرفته شد. حالا پس از سال های سال، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و رئیس جمهور "اصلاح طلب" اش، در طول کمتر از دو سال اکثریت بسیار عظیم کارگران ایران را از شمول قانون کار خارج می کند. این بدان معناست که عملاً قانون کاری وجود ندارد، از کدام قانون کار می توان صحبت کرد وقتی که بیش از دو سوم کارگران مشمول آن نمی شوند؟ از این جهت تمام کارگران ایران مستثنا از این که تغییرات شامل حال آنها بشود، یا نشود معترضند. این مسئله مربوط به این با آن بخش طبقه نیست، مسئله تمام طبقه کارگرتست. محروم شدن اکثریت عظیم طبقه کارگر ایران، از هرگونه حق و حقوق کارگری بدین معناست که سرمایه دار می تواند بایک کارگر همچون یک برده مسلوب-الحق رفتار کند، او را بدون هرگونه محدودیت هرطور که خواست و برای هر مدتی به کار وادارد. امروزه او کار بدهد، فردا اخراجش کند. ساعات کار را در روز حتی به دو برابر افزایش دهد، اما دستمزدی که به کارگرمی پردازد کمتر از آن چیزی باشد که کارگر هم اکنون دریافت می کند. رفتار غیر انسانی